



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.1401.12.17.1.8>

طراحی مدل عوامل میانجی‌گری در انتقال باورهای کارآفرینی به دانش‌آموزان هنرستان‌های کار دانش استان گیلان

عزت‌الله مرادی^۱، اصغر نخستین‌گلدوست^{۲*}، صدرالدین ستاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

چکیده

هدف از تحقیق حاضر طراحی مدل عوامل میانجی‌گری در انتقال باورهای کارآفرینی به دانش‌آموزان هنرستان‌های پسرانه کار دانش استان گیلان می‌باشد. روش پژوهش آمیخته اکتشافی بوده و بصورت کیفی و کمی به بررسی مولفه‌های مورد نظر پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی ۳۴ نفر از کارشناسان فنی اداره آموزش و پرورش استان گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بوده که تعداد ۲۰ نفر به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند و داده‌های مربوطه به وسیله مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شد و سپس در بخش کمی از ۲۵۱ نفر از مدیران و هنرآموزان هنرستان‌ها به کمک جدول مورگان تعداد ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده برای جمع‌آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق حاضر در بخش کیفی بصورت کدگذاری از نرم‌افزار (MaxQDA) و در بخش کمی بصورت معادلات ساختاری از نرم‌افزار (Smart PLS 2.0) استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد عوامل میانجی‌گری شامل مولفه‌هایی از جمله جنسیت، سن، محتوی اجتماعی، محتوی کارآفرینی و رشته تحصیلی می‌تواند در انتقال الگوی باور کارآفرینی به دانش‌آموزان بسیار موثر واقع شوند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که در جوامع کارآفرینی محتوی اجتماعی درس برای فرد مهم است. ایجاد و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه، به طور کلی تحت عنوان فرهنگ سازی کسب و کار، از مولفه‌های اصلی رویکرد دولت‌ها در توسعه کارآفرینی است.

واژه‌های کلیدی: عوامل میانجی‌گری، کارآفرینی، انتقال باور کارآفرینی، دانش کارآفرینی، کار دانش.

-
- ۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، m.ezatmoradi@yahoo.com
 ۲- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. *نویسنده مسئول، nakhostin1@yahoo.com
 ۳- دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، sadraddin1356@yahoo.com

مقدمه

امروزه چالش‌های مربوط به اشتغال در واقع موضوع کار و بیکاری نه تنها یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می‌رود، بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را مهم‌ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده به حساب آورد. حل این مشکل دولت‌مردان اکثر کشورها را با چالش‌های بزرگی روبرو ساخته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت‌ها منوط به حل بحران بیکاری است (خاقانی، ایل بیگی، خمسه نژاد ۱۳۹۸). در طی دهه گذشته بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه به کار آفرینی به عنوان یک راه حل بالقوه برای مشکلات گوناگون پیش روی کشور از جمله نبود کارایی در اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری، افزایش بی‌اندازه فارغ‌التحصیلان و ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در ایجاد شغل برای آنها توجه جدی مبذول داشته‌اند. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که از نظر برخی از اقتصاددانان و صاحب نظران و دانشمندان مدیریت موتور حرکت و رشد اقتصادی که جامعه، کارآفرینان هستند که در محیطی رقابتی و در شرایط مساعد و متعادل (و نه تعادل ایستا) جامعه را به حرکت در می‌آورند و توسعه می‌بخشند (کدیر، آلمویست، فورسبرگ ۲۰۱۲). کلید موفقیت کارآفرینی، یافتن روش‌های خلاقانه‌ای است که با به کارگیری تکنولوژی‌های جدید با بازاریابی بهتر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر کالاهای جدید، خواسته‌های بشری را به نحو احسن برآورده می‌سازند (چی مت و چانگ

2015). در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کار آفرینی توجهی نشده بود اما در برنامه سوم به علت وجود بیکاری گسترده به‌ویژه در میان جوانان کار آفرینی مورد توجه قرار گرفت (طهماسبی، قلی‌پور، ضیائی، قالیباف اصل ۱۳۹۶). بدین ترتیب می‌توان چنین ابراز نمود که مفهوم کارآفرینی و اهمیت اصلی آن در آموزش آن و حضور بنیادی و تحقق آن در میان دانش آموزان و بعد در دانشجویان می‌باشد که می‌توان اساس و بنیاد شکل‌گیری مفهوم جامع کارآفرینی در یک جامعه باشد. از آنجا که مدارس به عنوان متولیان اصلی تربیت و پرورش منابع انسانی متخصص در جامعه، نقش اساسی دارند، توجه به مقوله‌ی کار آفرینی و مؤلفه‌های کارآفرینی در سطح نظام آموزش و پرورش به توسعه‌ی بهتر این امر کمک شایانی می‌نماید (میرزاییان و شریفی، ۱۳۹۵). جاکوب ویتز^۱ (۱۹۹۴) از جمله افرادی بود که به ذاتی بودن استعداد کارآفرینی در برخی از افراد تاکید داشتند، اما گروه دیگری بر اساس مطالعات و تحقیق‌های متعدد به این نتیجه دست یافتند که کار آفرینی همچون سایر ادراکات و اعتقادات در بافت محیطی معین می‌تواند آموخته شود. همچنین شواهد تجربی گوناگونی نشانگر تأثیر آموزش بر ایجاد نگرش کار آفرینی در افراد مختلف است، یافته‌هایی که شور و شوق جوانان را نسبت به کار آفرینی نشان می‌داد و این مهم که این آموزش‌ها می‌تواند مسیر شغلی آنان را در آینده نشان دهد. مؤید آن است که شناسایی و

¹ Jakob Witz

آنها با نیاز بازار کار می‌باشیم. با توجه به کلیه اسناد بالادستی از جمله «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مواد ۲۱»، «۱۹۴ برنامه پنجم توسعه»، «سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری» و «سند راهبردی مهارت و فناوری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور»، داشتن رویکردی مدبرانه، علمی و مبتنی بر تحقیق به آموزش هنرجویان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. (آقا محمدی و عبدالهی ۹۴)

در واقع، شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف، تبیین نظام جامع مهارت و فناوری، فرهنگ‌سازی برای گسترش توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تبیین نقش حساس این آموزش‌ها در اشتغال از جمله اهداف کلانی است که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، با تاکید بر نگاه پیش رو و آینده‌پژوهانه در کلیه فعالیت‌ها، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، می‌توان نتایج حاصل از کارآفرینی در این حوزه را به شرح زیر بیان نمود:

- ارتقاء نقش‌آفرینی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان زیربنای توسعه پایدار و کاهش نرخ بیکاری،
- کاربست چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی برای ارتباط صلاحیت‌ها، مدارک و گواهینامه‌ها در سطوح و انواع مختلف در حوزه، حرفه و شغل و در جهت به رسمیت شناختن یادگیری مادام‌العمر،
- رتبه‌بندی، اعتبارسنجی و اعتباربخشی به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس

پرورش رفتارهای کارآفرینانه از طریق فرآیندهای آموزشی توانسته است منافع بلندمدت اقتصادی را برای افراد به وجود بیاورد (به نقل از: ذبیحی و مقدسی، ۱۳۹۳). کاریلسکی و والس‌تد^۱ (۱۹۸۸) معتقدند که این آموزش‌ها باید از دبیرستان شروع شود تا جوانان مسیر شغلی مناسب خود را انتخاب کنند. "براون"^۲ آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می‌کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب‌تری درباره انتقال خود اتخاذ کنند. بنابراین می‌توان رفتار کارآفرینانه را همانند سایر رفتارهای انسانی دارای خواستگاه فطری و محیطی دانست. (به نقل از: کلانتری، ربانی خوراسگانی، هزار جریبی ۱۳۹۲).

با نگاه به چشم‌انداز بیست ساله و با عنایت به برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و توجه خاص دولت به امر اشتغال و نقش آموزش در اشتغال پایدار، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مفتخر به تشکیل و استقرار «سازمان ملی مهارت و فناوری» و طراحی «نظام جامع ملی و مهارت و فناوری» با سه زیر نظام «نظام آموزش مهارت و فناوری»، «نظام صلاحیت حرفه‌ای» و «نظام شرایط احراز اشتغال» می‌باشد. در این شرایط، با یکپارچه‌سازی مدیریت و سیاست‌گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، شاهد تحول بزرگ در نظام‌مند نمودن این آموزش‌ها از طریق استقرار نظام جامع مهارت و فناوری با رویکرد و توجه به تغییرات فناوری و مبتنی کردن

¹ Karilski & Elested

² Brown

(خاتمی و شاه حسینی، ۱۳۹۱). شاخه تحصیلی کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای در راستای لزوم ارتباط و هماهنگی آموزش‌وپرورش و نیازهای بازار کار تأسیس شده است. در واقع، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام جدید آموزش متوسطه، شاخه کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای است که با هدف اشاعه مهارت‌آموزی تشکیل شده و جهت‌گیری عمده آن آماده کردن بخش قابل توجهی از جوانان، برای اشتغال مفید است که بعد از ارائه آموزش‌های مهارتی برای ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار و اشتغال مولد متناسب با مقتضیات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی، روحیه کارآفرینی را در آنان پرورش دهد (عارفی، فتحی و اجارگاه، نساج ۱۳۸۹). آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای زیربنای توسعه و آموزش پایدار در همه کشورهاست و یکی از ابزارهای کلیدی برای شکل‌گیری «جامعه یادگیرنده»^۱ و «جامعه دانش‌بنیان»^۲ محسوب می‌شود. این‌گونه آموزش‌ها که با آموزش‌های مهارتی در هم تنیده‌اند، امکان شناخت و کاربرد مهارت‌ها را برای همه فراگیرندگان مهیا می‌سازند تا با اتخاذ تصمیمات آگاهانه، در آینده از زندگی سالم‌تری برخوردار شوند و در ضمن بتوانند از استانداردهای معیشتی بهتر و در خور توجه نیز استفاده کنند (جاریانی، ۱۳۹۲). با این توصیف، نقش آموزش‌وپرورش به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان‌های متولی پرورش نیروی توانمند و کارآمد در زمینه کارآفرینی بسیار برجسته و حیاتی است. در واقع نظام آموزشی می‌تواند و باید زمینه‌سازی رشد و توسعه

فرآیندهای یاددهی و یادگیری هنرجویان، تحقیق و توسعه منابع و شاخص‌های پشتیبانی فراگیران،

- ضرورت استقرار نظام جامع مهارت و فناوری با سه زیرنظام آموزش مهارت و فناوری، نظام صلاحیت حرفه‌ای و نظام شرایط احراز اشتغال به عنوان زیربنای ایجاد اشتغال بر پایه آموزش فنی و حرفه‌ای،

- توسعه الگوهای آموزشی بر اساس ظرفیت‌های فضای کسب و کار کشور و نیز ارائه آموزش‌های شبیه‌سازی شده،

- آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقای توان کارآفرینی و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی برای استفاده از ظرفیت آنها.

در این راستا شاید تغییر رویکرد دانش-آموزان و دانش‌آموختگان از کارجویی به کارآفرینی به سبب درک این مطلب است که در دنیای امروز دانش‌آموخته‌ای نسبت به سایرین دارای مزیت رقابتی است که پا را از حوزه دانش و محفوظات خود فراتر گذاشته و در حل مسائل عملی آن محدوده‌ی تخصصی، مهارت داشته و موفق عمل کند به همین دلیل است که آموزش کارآفرینی در دو حالت ساخت یافته با برنامه‌های آموزشی گوناگون و گاهی با صرف وقت زیادی کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی کوتاه مدت مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد

¹ Learning society

² Knowledge based societie

اطلاعات به وسیله پرسشنامه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق حاضر در بخش کیفی بصورت کدگذاری از نرم افزار (MaxQDA) و در بخش کمی بصورت معادلات ساختاری از نرم افزار (Smart PLS 2.0) استفاده شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی پرسشنامه می باشد.

در این پژوهش در مرحله آزمون پرسش نامه به جهت قابل فهم بودن سوالات، تعداد ۳۵ پرسشنامه در بین افراد نمونه آماری توزیع شد و با استفاده از داده های به دست آمده از آن، میزان ضریب اعتماد با روش آلفا کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت.

یافته های تحقیق:

بخش الف: تحلیل کیفی

یافته های کدگذاری اولیه در نرم افزار MacQDA به شرح جدول (۱) می باشد.
جدول ۱- یافته های کدگذاری اولیه

کدگذاری باز
طرح یا ایده کارآفرینی
آموزش حرف اصلی را میزند
از طریق کارآفرینان برتر
معرفی افراد برتر در زمینه کارآفرینی
مسیر کارآفرینی به اشتغال پایدار
امید بیشتر در دانش آموزان
تشویق دانش آموزان به کارآفرینی
ترویج فرهنگ کارآفرینی
اعتقاد خانواده به کار
اشتغال جوانان

کارآفرینی را در دانش آموزان به ویژه دانش آموزان مراکز فنی و حرفه ای فراهم آورد. مدارس می توانند و انتظار می رود که با تکیه بر رسالت اصلی خود یعنی آموزش و تحقیقی در تسهیل مسیر کارآفرینی نقش به سزایی داشته باشند برای تبدیل انسان های عادی به انسان های کار آفرین و پشتیبانی همه جانبه از آنها نیاز به یک جهاد فراگیر در آموزش، گسترش زمینه های مختلف تحصیلی و پشتیبانی آموزشی در شاخه های مختلف تحصیلی می باشد. لذا با توجه به مطالب گفته شده هدف تحقیق حاضر، بررسی عوامل میانجی گری بر انتقال باورهای کارآفرینی به دانش آموزان هنرستان های کار دانش می باشد.

سوال تحقیق:

عوامل میانجی گر لازم به منظور تسریع انتقال باورهای کار آفرینی به دانش آموزان هنرستان های کار دانش کدامند؟

روش شناسی تحقیق

روش پژوهش آمیخته اکتشافی بوده و بصورت کیفی و کمی به بررسی مولفه های مورد نظر پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی ۳۴ نفر از کارشناسان فنی اداره آموزش و پرورش استان گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بوده که تعداد ۲۰ نفر به صورت هدف مند به عنوان نمونه انتخاب شدند و داده های مربوطه به وسیله مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری شد و سپس در بخش کمی از ۲۵۱ نفر از مدیران و هنرآموزان هنر ستان ها به کمک جدول مورگان تعداد ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده برای جمع آوری

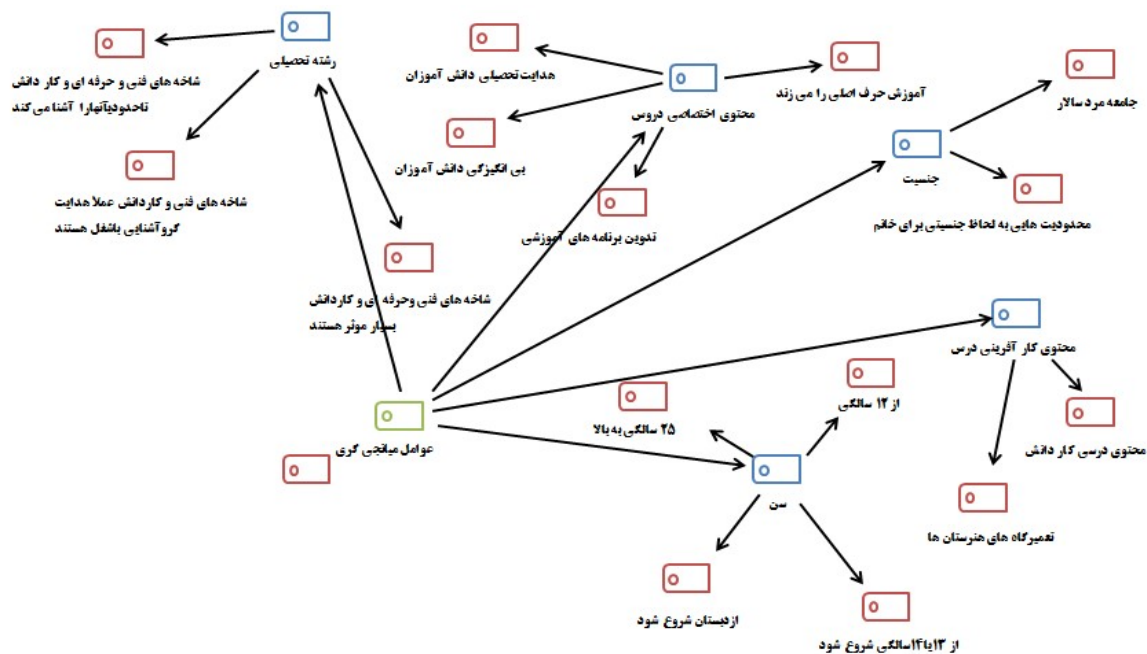
کمبود اعتماد به نفس	استنباط و داشتن برنامه مناسب
اهم نبودن بسترهای لازم حمایت دولت و خانواده	آموزش بازی‌های کارآفرینی
نداشتن راهنمای لازم	آماده شدن بسترها
عدم اعتماد به نفس	سرمایه گذاری
سطح پایین درآمد	آموزش
بیکاری	خانواده‌هایی که اقتصاد آنان بر مبنای شغل های تولیدی و خدماتی
از ۱۲ سالگی	تامین منابع مالی
از سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی	سرمایه مالی
۲۵ سالگی به بالا	وضع اقتصادی خانواده
از دبستان	بیشترین القا از سوی خانواده
محتوای درسی کاردانش	خانواده بیشتر می‌تواند، چون مورد اعتماد بیشتر می‌باشد و می‌توان
هدایت تحصیلی دانش آموزان	خانواده و معلمان بیشترین ارتباط با دانش آموزان
شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش بسیار موثر هستند	ایجاد زیر ساختار
شاخه های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش تا حدودی آن‌ها را آشنا می‌کند	آموزش و دادن امکانات جدید
شاخه‌های فنی و کاردانش عملاً هدایت‌گر و آشنایی با شغل هستند	تشویق و حمایت ارزش آفرینی
تجهیز کارگاه‌های هنرستان‌ها	پیگیری و انگیزه دادن جامعه
	توسعه فرهنگی مهارت آموزی و اشتغال
	برنامه‌های تشویقی و انگیزشی جهت کارآفرینی
	حمایت مالی و معنوی
	بستر سازی دولت
	ایجاد نگرش و موفقیت‌های کارآفرینان
	تدوین برنامه های آموزشی
	اهمیت کار در جامعه
	فرهنگ کار آموزی در بین دانش آموزان
	راه اندازی کسب و کار
	حمایت های دولت
	جامعه مرد سالار
	محدودیت‌هایی به لحاظ جنسیتی برای خانوم
	دنبال شغل آماده
	کمبود منابع مالی
	موانع و محدودیت‌های زیاد
	بی‌انگیزگی دانش آموزان
	عدم ثبات اقتصادی

با توجه به جدول فوق در کدگذاری اولیه از مصاحبه‌های صورت گرفته از نمونه آماری، عوامل بر اساس به شرح زیر استخراج شدند.

جدول ۲- یافته‌های کدگذاری ثانویه بر اساس الگوی مطلوب انتقال

کدگذاری باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه
سن	از دبستان شروع شود
رشته تحصیلی	از سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی
جنسیت	۲۵ سالگی به بالا
	از ۱۲ سالگی
	شاخه های فنی و کاردانش عملا هدایت گر و آشنایی با شغل هستند
	شاخه های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش تا حدودی آنها را آشنا می‌کند
	شاخه های فنی و حرفه‌ای و کاردانش بسیار موثر هستند
	محدودیت‌هایی به لحاظ جنسیتی برای خانوم
	جامعه مرد سالار
	محدودیت‌هایی به لحاظ جنسیتی برای خانوم
محتوای اجتماعی درس	آموزش حرف اصلی را می‌زند
	تدوین برنامه‌های آموزشی
	بی انگیزگی دانش آموزان
	هدایت تحصیلی دانش آموزان
محتوای کارآفرینی درسی	تجهیز کارگاه های هنرستان ها
	محتوای درسی کاردانش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مدل استخراج شده تحقیق پیش رو به شرح زیر می‌باشد:

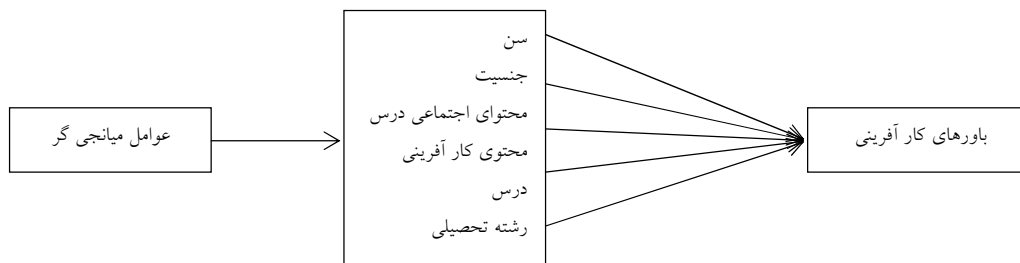


شکل ۲- مدل نهایی خروجی نرم افزار MAXQDA

بخش ب: تحلیل کمی

بخش کمی از طریق اجرای پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته، بر روی نمونه آماری استخراج و با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS تجزیه و تحلیل گردیده است. در واقع در این مرحله به بررسی تأثیر متغیرهای ایجاد شده می‌پردازد.

در مرحله بعد که مرحله کمی پژوهش است به منظور برازش مدل مذکور جامعه آماری شامل مدیران و هنر آموزان هنرستان‌های کاردانش بوده که به صورت تصادفی ساده تعداد ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌ها در



الگوی عوامل میانجی گری انتقال باورهای کار آفرینی

جدول ۱ مشاهده می‌شود متغیر جنسیت با ضریب استاندارد شده ۰/۲۶۴ دارای تأثیر معنی‌دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می‌باشد ($t > 1/96$). بر این اساس می‌توان رابطه فوق را تایید نمود.

نتایج آزمون‌های آماری در بخش کمی در غالب جداول زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به پاسخ‌گویی افراد نمونه آماری روابط بین جنسیت و انتقال باور کارآفرینی در مدل مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در

جدول ۱- روابط بین جنسیت و انتقال باور کارآفرینی

نتیجه	تائید یا عدم تائید	P (sig)	آماره t	ضریب مسیر استاندارد	جنسیت بر انتقال باور کارآفرینی
اثرگذاری	تائید	$P < 0/05$	۲/۲۶۸	۰/۲۶۴	تأثیر مثبت دارد.

باشد ($t > 1/96$). متغیر جنسیت با ضریب استاندارد شده ۰/۲۶۴ دارای تأثیر معنی‌دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می‌باشد ($t < 1/96$).

با توجه به پاسخ‌گویی افراد نمونه آماری متغیر سن با ضریب استاندارد شده ۰/۲۳۹ دارای تأثیر معنی‌دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می‌-

جدول ۲- روابط بین سن و انتقال باور کارآفرینی

نتیجه	تائید یا عدم تائید	P (sig)	آماره t	ضریب مسیر استاندارد	سن بر انتقال باور کارآفرینی
اثرگذاری	تائید	$P < 0/05$	۲/۵۶۴	۰/۲۳۹	تأثیر مثبت دارد.

محتوی کارآفرینی درس با ضریب استاندارد شده ۰/۴۶۶ تاثیر معنی دار مثبت بر انتقال باور کار آفرینی می باشد. $t > 1/96$.

متغیر محتوی اجتماعی درس با ضریب استاندارد شده ۰/۳۱۸ دارای تاثیر معنی دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می باشد ($t > 1/96$). متغیر

جدول ۳- روابط بین محتوای اجتماعی درس و انتقال باور کارآفرینی

نتیجه	تائید یا عدم تائید	P (sig)	آماره t	ضریب مسیر استاندارد	محتوای اجتماعی درس بر انتقال باور کارآفرینی تاثیر مثبت دارد.
اثرگذاری	تائید	$P < 0/05$	۲/۹۱۱	۰/۳۱۸	

با ضریب استاندارد شده ۰/۲۶۲ دارای تاثیر معنی دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می باشد ($t > 1/96$). بر این اساس می توان رابطه فوق را تایید نمود.

با توجه به پاسخگویی افراد نمونه آماری روابط بین رشته تحصیلی و انتقال باور کارآفرینی در مدل مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود متغیر رشته تحصیلی

جدول ۴- روابط بین رشته تحصیلی و انتقال باور کارآفرینی

نتیجه	تائید یا عدم تائید	P (sig)	آماره t	ضریب مسیر استاندارد	رشته تحصیلی بر انتقال باور کارآفرینی تاثیر مثبت دارد.
اثرگذاری	تائید	$P < 0/05$	۲/۳۱۰	۰/۲۶۲	

محتوای کارآفرینی درس با ضریب استاندارد شده ۰/۴۶۶ دارای تاثیر معنی دار مثبت بر انتقال باور کارآفرینی می باشد ($t > 1/96$). بر این اساس می توان رابطه فوق را تایید نمود.

با توجه به پاسخگویی افراد نمونه آماری روابط بین محتوای کارآفرینی درس و انتقال باور کارآفرینی در مدل مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود متغیر

جدول ۵- روابط بین محتوای کارآفرینی درس و انتقال باور کارآفرینی

نتیجه	تائید یا عدم تائید	P (sig)	آماره t	ضریب مسیر استاندارد	محتوای کارآفرینی درس بر انتقال باور کارآفرینی تاثیر مثبت دارد.
اثرگذاری	تائید	$P < 0/05$	۳/۱۰۸	۰/۴۶۶	

سن روابط نگرش نسبت به کارآفرینی و انتقال باور کارآفرینی را میانجی گری نمی نماید؛ مقدار t غیر مستقیم حاصل از آزمون سوبل ۱/۲۵۹ می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که رابطه فوق مورد تائید قرار نگرفته است. محتوای اجتماعی درس روابط نگرش نسبت به کارآفرینی و انتقال باور کارآفرینی را میانجی گری می نماید؛ همچنین مقدار t غیر مستقیم حاصل از آزمون سوبل

بحث و نتیجه گیری:

در راستای هدف تحقیق حاضر، موارد زیر قابل استنتاج است:

عامل جنسیت روابط نگرش نسبت به کارآفرینی و انتقال باور کارآفرینی را میانجی گری می نماید؛ مقدار t غیر مستقیم حاصل از آزمون سوبل ۱/۶۱۹ می باشد، با اینحال می توان نتیجه گرفت که رابطه فوق مورد تائید قرار گرفته است.

توسعه کسب و کار، عوامل سازمانی، با فراهم آوردن امکانات مختلف و مهارت‌ها، استراتژی‌ها و تعاملات افقی و عمودی در راستای ایجاد محیط کاری نوآور و پیشرفت شغلی، انکوباتورها، با فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای ایجاد، رشد و توسعه شرکت‌های نوظهور و ارائه حمایت‌های مختلف معنوی و مادی، شتاب دهندگان، با ارائه منابع ضروری، حمایت‌های نهادی فرآیند رشد تسهیل تبدیل ایده به کسب و کار و ورود به بازار، نهادها، با ایجاد ظرفیت نوآوری، حمایت‌های گسترده، توسعه قابلیت‌ها، انجام فعالیت‌های ترویجی و ارائه مشاوره‌های لازم، در سطح میانی اکوسیستم کار آفرینی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در نهایت فرهنگی و اجتماع، با ارائه نمونه‌ها و داستان‌های موفقیت کار آفرینی و لزوم توجه به نوآوری، خلاقیت و تجربه به عنوان یک هنجار، بازیگران و ذی‌نفعان، که به‌طور رسمی یا غیر رسمی برای اتصال، واسطه‌گری و کنترل عملکرد درون محیط کار آفرینانه حضور دارند، و عوامل فردی، مانند قصد و روح کار آفرینی، انگیزه، استقلال، اشتیاق، جاه طلبی و تحمل شکست، از اساسی‌ترین الزامات هر نوع فعالیت کار آفرینانه هستند که در سطح خرد یک اکوسیستم کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کنند. تأثیر آموزش کارآفرینی بر دستگاه فکری کارآفرینانه اثرگذار است (عارفی و همکاران، ۱۳۹۸)، فراگوسو و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که دوره‌های آموزشی کارآفرینی، تصمیم فراگیران را به کار آفرین شدن قوت می‌بخشد؛ هاردیانتو و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند دروس کار آفرینی هوشیاری و مهارت‌های مرتبط با سرمایه انسانی نظیر ریسک پذیری را تقویت کرده و باعث می‌شود مجموعه‌ای از دانش جدید انباشته و با یکدیگر یکپارچه شوند و دستگاه فکری کارآفرینانه را برای کشف مجموعه‌ای

۱/۷۷۹ می‌باشد، با تایید یک مسیر می‌توان نتیجه گرفت که رابطه فوق مورد تأیید قرار گرفته است. رشته تحصیلی روابط نگرش نسبت به کارآفرینی و انتقال باور کارآفرینی را میانجی‌گری می‌نماید؛ همچنین مقدار t غیر مستقیم حاصل از آزمون سوبل ۲/۴۸۳ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه فوق مورد تأیید قرار گرفته است. محتوای کارآفرینی درس روابط نگرش نسبت به کارآفرینی و انتقال باور کارآفرینی را میانجی‌گری می‌نماید؛ همچنین مقدار t غیر مستقیم حاصل از آزمون سوبل ۱/۶۹۳ می‌باشد، با اینحال به دلیل تایید یک مسیر می‌توان نتیجه گرفت که رابطه فوق مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج این تحقیق همسو با تحقیقات (هاردیانتو و همکاران (۲۰۲۰)؛ حسین‌زاده نباتی و همکاران (۱۳۹۹)؛ کردحیدری و همکاران (۱۳۹۸)؛ عارفی و همکاران (۱۳۹۸)؛ ابراهیمی (۱۳۹۶)؛ جمالی زواره و همکاران (۱۳۹۴)؛ منوری فرد و همکاران (۱۳۹۱)؛ عبدی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)؛ وارد و همکاران (۲۰۱۹)؛ بای و همکاران (۲۰۱۴)؛ مارتین و همکاران (۲۰۱۳)؛ ایساکس و همکاران (۲۰۰۷)) است.

در بررسی‌های صورت گرفته در راستای تحقیق حسین‌زاده نباتی و همکاران در سال ۱۳۹۹ اشاره دارد اهمیت بالای نگرش مثبت به درس کار و فناوری، در داشتن رابطه مثبت با مؤلفه‌های ارزشمند، رهبری، دستاورد، کنترل شخصی، خلاقیت، ابتکار بوده و بنابراین در اولویت قرارگرفتن ماهیت عملی و کاربردی و استفاده از ابزارها در این درس پیشنهاد می‌شود، کردحیدری و همکاران در سال ۱۳۹۸ به این امر دست یافتند که سرمایه گذاران با تسهیل سرمایه گذاری خطرپذیر، به ویژه در مراحل ابتدایی راه اندازی و

فنون مناسب آموزشی بهره بگیرند. وزارت آموزش و پرورش با به کار گرفتن روش‌هایی مانند دعوت از کارآفرینان و ایراد سخنرانی و برگزاری نشست‌های پرسش و پاسخ با آنان به بهبود نگرش و خودکارآمدی دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی کمک کند.

- جهت بهبود و ارتقای فرهنگ کارآفرینی و ارزش‌گذاری اجتماعی کارآفرینی در جامعه وزارت آموزش و پرورش باید با ارائه برنامه‌های مدون به بهبود هنجارهای ذهنی و حتی کنترل رفتاری درک شده کمک کند.

- با توجه به اینکه نگرش اکثر خانواده‌ها و دانش‌آموزان نسبت به راه‌اندازی کسب و کار مستقل مثبت است اما آنها جهت تحقق ایده خود، شرایط کنونی را امکان‌پذیر نمی‌دانند. آموزش و پرورش باید عوامل و موانع موجود در تحقیق که موجب ضعف حمایت‌های اجتماعی می‌شود به کمک دولت برطرف نماید.

- پیشنهاد می‌گردد وزارت آموزش و پرورش در مدارس گسترش انواع آموزش‌های مرتبط (از جمله ارائه دانش موردنیاز برای راه‌اندازی کسب و کار، تقویت مهارت‌های فنی، مدیریتی و خودشناسی و خودباوری) نهادینه نماید.

- پیشنهاد می‌گردد دولت گام‌هایی در جهت بازنگری در مسیر سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی، در راستای توسعه بنیادی کارآفرینی، و انجام اقداماتی اساسی در جهت بهبود محیط کسب و کار بردارد.

بزرگتر از فرصت‌ها و انتخاب بهترین آنها تحریک کند.

همچنین بررسی‌های مختلف حاکی از آن بود که در شاخه‌های مختلف عمده‌ترین مهارت‌های کارآفرینی از قبیل انگیزه پیشرفت، تمایل به ریسک و مخاطره، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی و نیاز به استقلال توجه بیشتری شده و محتوای آموزش دوره‌ها در این شاخه از آموزش، به محوریت تقویت روحیه و توانایی کارآفرینان و ویژگی‌های آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند و آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهند. لذا چنانچه شاخه نظری نیز بخواهند نقطه ضعف خود را در این زمینه رفع کنند، باید در مباحث نظری دوره و محتوای آموزش‌ها تجدید نظر کنند و از الگوی استخراج شده از این تحقیق بهره ببرند. در آخر باید اشاره نمود روحیه کارآفرینی در صورتی در دانش‌آموزان پرورش می‌یابد و القا پیدا می‌کند که آموزش‌های لازم به صورت توأم از لحاظ عملی و تئوری همراه باشد.

پیشنهادهای کاربردی

- در راستای نتایج تحقیق که نشان داد خانواده تاثیر زیادی بر انتقال باورهای کارآفرینی دارد بنابراین پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های گروهی به آموزش کارآفرینی اهتمام ویژه‌ای گردد. وزارت آموزش و پرورش برنامه‌هایی را برای خانواده‌ها در حوزه‌های کارآفرینی پیش‌بینی و اجرا نماید.

- همچنین پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های آموزش کارآفرینی به منظور افزایش اراده کارآفرینانه دانش‌آموزان (به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار کارآفرینی) باید بر بهبود نگرش و کنترل رفتاری درک شده تمرکز کنند و در این راه از محتوا، روش‌ها و

منابع و ماخذ:

۱. آقا محمدی، ج.، و عبداللهی، ح. (۱۳۹۴). تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی. فصلنامه رهیافت. شماره ۵۹.
۲. جاریانی، ا. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی درسی در آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای؛ چرا و چگونه، فصلنامه رشد آموزش فنی‌و حرفه‌ای، ۸ (۳)، ۷۱-۸۸.
۳. جمالی زواره، ب.، نیلی، م.، و شادفر، ح. (۱۳۹۴). تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای، فصلنامه مهارت‌آموزی. ۳ (۱۲)، ۹۲-۱۰۱.
۴. حسین‌زاده نباتی، م.، محمودی، ف.، و ادیب، ی. (۱۳۹۹). رابطه نگرش به درس کار و فناوری با مولفه‌های نگرش کارآفرینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک تبریز، نشریه توسعه کارآفرینی، ۱۳ (۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
۵. حیدری، غ.، یزدان‌ستا، ف. (۱۳۹۴). مقایسه میزان اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی در شهرستان‌های سقز و سنندج. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۲۴، ۱۴۳-۱۶۱.
۶. خاتمی، ع.، و شاه حسینی، ح. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه-ای و کاردانش. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴ (۱۱) (مسلسل ۱۳)، ۹۵-۱۱۶.
۷. خاقانی، م.، ایل بیگی، ا.، و خمسه نژاد، ح. (۱۳۹۸). تاثیر ویژگی‌های فردی بر قصد کارآفرینی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری. مدیریت و نوآوری در کسب و کار، تهران.
۸. ذبیحی، م.، و مقدسی، ع. (۱۳۹۳). کارآفرینی از تئوری تا عمل. مشهد: نشر جهان فردا.
۹. طهماسبی، ر.، قلیپور، ا.، ضیائی، م.، و قالیباف اصل، ح. (۱۳۹۶). مدیریت استعدادها: یک نظریه داده بنیان، فصلنامه مدیریت دولتی. ۷ (۲۱)، ۱۵۱-۱۳۳.
۱۰. عارفی، م.، فتحی واجارگاه، ک.، و نساج، س. (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کاردانش آموزش متوسطه، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۲ (۴).
۱۱. کردحیدری، ر.، منصوری موید، ف.، و خدادادحسینی، ح. (۱۳۹۸). فراترکیب عوامل مؤثر بر توسعه کسب‌وکارهای فناورانه نوپا در اکوسیستم کارآفرینی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲ (۱)، ۱۶۰-۱۴۱.
۱۲. کلانتری، ص.، و ربانی خوراسگانی، ر.، و هزارجریبی، ج. (۱۳۹۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات. نامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۳) (پیاپی ۲۳)، ۱۷۱-۱۸۹.
۱۳. منوری فرد، ف.، موحدمحمدی، ح.، رضوانفر، ا. (۱۳۹۱). واکاوی اثر مؤلفه‌های برنامه درسی بر روحیه کارآفرینی دانشجویان، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر.
۱۴. میرزاییان کلواری، ی.، و شریفی، م. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه‌ی مولفه‌های کارآفرینی در

16. Bae, T. J., Qian, S., Miao, C., & Fiet, J. O. (2014). The relationship between entrepreneurship education and entrepreneurial intentions: A meta-analytic review. *Entrepreneurship theory and practice*, 38(2), 217- 254.

17. CheMett, K. E., Chung, D. P., Kim, Y., Chung, B. W., & Choi, G. W. (2015). High- titer ethanol production from simultaneous saccharification and fermentation using a continuous feeding system. *Fuel*, 145, 18- 24.

18. Frago, R., Rocha- Junior, W., & Xavier, A. (2020). Determinant factors of entrepreneurial intention among university students in Brazil and Portugal. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 32(1), 33- 57.

19. Isaacs, F. J., Carr, P. A., Wang, H. H., Lajoie, M. J., Sterling, B., Kraal, L., ... & Church, G. M. (2011). Precise manipulation of chromosomes in vivo enables genome-wide codon replacement. *Science*, 333(6040), 348-353.

20. Kadir, A., Almkvist, O., Forsberg, A., Wall, A., Engler, H., Långström, B., & Nordberg, A. (2012). Dynamic changes in PET amyloid and FDG imaging at different stages of Alzheimer's disease. *Neurobiology of aging*, 33(1), 198- e1.

21. Martin, B. C., McNally, J. J., & Kay, M. J. (2013). Examining the formation of human capital in entrepreneurship: A meta- analysis of entrepreneurship education outcomes. *Journal of business venturing*, 28(2), 211- 224.

22. Ward, A., Hernández- Sánchez, B. R., & Sánchez- García, J. C. (2019). Entrepreneurial potential and gender effects: The role of personality traits in university students' entrepreneurial intentions. *Frontiers in Psychology*, 10, 2700.

بین دانش آموزان سال آخر مدارس متوسطه و هنرستان (دوره دوم) شهرستان دلفان. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۹(۱۷)، ۱۳۱-۱۵۸.

۱۵. نائیجی، م.، و ابراهیمی، ا. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر دستگاه فکری کارآفرینانه: نقش میانجی خلاقیت و هوشیاری کارآفرینانه، فصلنامه مدیریت نوآوری، ۶ (۱)، ۱۰۰-۷۳.

